

مسئله ۲۰۹۰ - در مورد حجاب واجب، کافی است که زن بدن خود را جز صورت و دست تا میچ به هر وسیله‌ای که می‌تواند بپوشاند و لباس خاصی شرط نیست ولی پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و همچنین لباسهای زینتی اشکال دارد.

مسئله ۲۰۹۱ - نگاه کردن مرد به زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب او جایز است حتی اگر با یک بار نگاه کردن این منظور حاصل نشود می‌تواند چند بار در چند مجلس نگاه کند.

مسئله ۲۰۹۲ - شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود اشکالی ندارد، ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس انگیز باشد.

مسئله ۲۰۹۳ - نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است.

### مسائل متفرقه ازدواج

مسئله ۲۰۹۴ - هرگاه در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد معلوم شود که باکره نبوده می‌تواند ازدواج را به هم زند.

مسئله ۲۰۹۵ - احتیاط واجب آن است که مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود نمانند، حتی اگر در آنجا نماز بخوانند نماز اشکال دارد.

مسئله ۲۰۹۶ - هرگاه مرد از اول قصدش این باشد که مهر زن را نپردازد عقد صحیح است و پرداختن مهر بر او واجب است.

مسئله ۲۰۹۷ - مرد مسلمانی که مسلمان زاده است اگر مرتد شود، یعنی منکر خدا یا پیغمبر ﷺ گردد، یا یکی از احکام مسلم اسلام مانند واجب بودن نماز و روزه را انکار کند به طوری که انکار کردن آن معنایش انکار خدا یا پیغمبر ﷺ باشد، ازدواج او باطل می‌شود و همسرش باید از او کناره‌گیری کند و عده وفات یعنی عده زنی که شوهرش مرده است بگیرد و بعد می‌تواند ازدواج کند و اگر زن یاائسه باشد، یا هنوز نزدیکی نکرده باشند عده لازم نیست.

- مسألة ۲۰۹۸ - هرگاه زن در عقد شرط کند که شوهر او را از فلان شهر بیرون نبرد، مرد نمی‌تواند او را از آن شهر بیرون ببرد مگر با رضایت او.
- مسألة ۲۰۹۹ - هرگاه کسی دختری را برای پسر خود عقد کند، خودش می‌تواند با بیاد او آن دختر ازدواج نماید، همچنین اگر اول خودش با مادر آن دختر ازدواج کرده، می‌تواند آن دختر را برای پسر خود بگیرد.
- مسألة ۲۱۰۰ - زنی که از راه نامشروع باردار شده، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند و فرزند او حساب می‌شود فقط ارث از او نمی‌برد.
- مسألة ۲۱۰۱ - هرگاه کسی با زنی که شوهر ندارد و در عده کسی نیست زنا کند جایز است او را بعداً به عقد خود در آورد و اگر بچه‌ای از آنان متولد شود و نداند از نطفه حلال است یا حرام آن بچه حلال زاده است.
- مسألة ۲۱۰۲ - هرگاه زن بگوید شوهر ندارم می‌توان حرف او را قبول کرد به شرط آنکه متهم نباشد، اما اگر بگوید یا سهام قبول ادعای او اشکال دارد.
- مسألة ۲۱۰۳ - هرگاه با زنی ازدواج کند و کسی بگوید آن زن شوهر داشته ولی خود زن بگوید نداشته‌ام و شرعاً هم ثابت نشود باید حرف زدن را قبول کرد، ولی اگر فرد مورد اعتمادی تصدیق کند که شوهر داشته احتیاط واجب آن است که او را طلاق دهد.
- مسألة ۲۱۰۴ - مستحب است در شوهر دادن دختری که به حد بلوغ رسیده تعجیل کنند، همچنین در مورد زن دادن به پسرای که نیاز به همسر دارند.
- مسألة ۲۱۰۵ - کسی که از زنا متولد شده هرگاه زن بگیرد و بچه‌ای پیدا کند آن بچه حلال زاده است.
- مسألة ۲۱۰۶ - هرگاه مردی روز ماه مبارک رمضان یا در حال عادت همسرش، یا او نزدیکی کند گناه کرده، ولی بچه‌ای که از آنان به دنیا می‌آید حلال زاده است.
- مسألة ۲۱۰۷ - هرگاه زنی یقین پیدا کند که شوهرش در سفر فوت کرده و عده وفات (به مقداری که در احکام طلاق گفته خواهد شد) نگه دارد سپس شوهر کند، بعد شوهرش از سفر برگردد باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اول حلال است، ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد زن باید عده نگه دارد و احتیاط واجب آن است که شوهر دوم مهر را مطابق آنچه با او قرار داده پردازد و اگر مهر المثل بیشتر است آن را پردازد.

## احکام شیر دادن (رضاع)

مسألة ۲۱۰۸ - هرگاه زنی کودکی را با شرایطی که در مسائل آینده گفته می‌شود شیر دهد، آن زن به حکم مادر اوست و آن مرد صاحب شیر است به حکم پدر او، پدر آن مرد به حکم جد و مادرش به حکم جده و برادرش همو و خواهرش عمه و فرزندان برادر و خواهر او محسوب می‌شوند، همچنین پدر آن زن به حکم جد مادری و مادرش جده مادری و برادرش دایی و خواهرش خاله، همچنین دختری را که زن شیر داده بر شوهر او حرام است (به شرط اینکه با آن زن نزدیکی کرده باشد) و نیز انسان نمی‌تواند با مادر رضاعی زن خود ازدواج کند زیرا به حکم مادر زن او است.

و به عبارت دیگر هنگامی که بچه‌ای را با شرایطی که می‌آید شیر دهد آن بچه به این عده محرم می‌شود:

- ۱ - خود آن زن و او را مادر رضاعی می‌گویند.
- ۲ - شوهر آن زن که شیر مال اوست و او را پدر رضاعی گویند.
- ۳ - پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.
- ۴ - بچه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند یا به دنیا می‌آیند.
- ۵ - بچه‌های اولاد آن زن هر چه پایین روند چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آنها را شیر داده باشند.
- ۶ - خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند.
- ۷ - همو و عمه آن زن اگر چه رضاعی باشند.
- ۸ - دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.
- ۹ - اولاد شوهر آن زن که شیر مال اوست هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.
- ۱۰ - پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است هر چه بالا روند.
- ۱۱ - خواهر و برادر شوهری که شیر مال اوست اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.

۱۲ - عمو و عمه و دائی و خاله شوهری که شیر مال اوست هر چه بالا روند اگر چه رضاعی باشند، همچنین عده دیگری که در مسائل بعد گفته می شود به واسطه شیر دادن محرم می شوند.

مسألة ۲۱۰۹ - هرگاه زنی بچه شیرخواری را با شرایطی که بعداً می آید شیر دهد پدر آن بچه نمی تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده اند ازدواج کند و نیز بنا بر احتیاط واجب نمی تواند دختر شوهری را که شیر مال اوست به ازدواج خود درآورد، بلکه احتیاط واجب آن است که با دخترهای رضاعی او نیز ازدواج نکند، ولی ازدواج با دخترهای رضاعی آن زن از شوهر دیگر مانعی ندارد.

مسألة ۲۱۱۰ - هرگاه زنی بچه ای را با شرایط آینده شیر دهد شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه محرم نمی شود، ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج نکند، همچنین خویشان شوهر با خواهر و برادر آن بچه محرم نمی شوند.

مسألة ۲۱۱۱ - هرگاه زنی کودکی را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم نمی شود و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهرهای بچه ای که شیر خورده محرم نمی شوند.

مسألة ۲۱۱۲ - پسر نمی تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ او آن دختر را شیر کامل داده ازدواج کند، و نیز اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر داده باشد پسر نمی تواند با آن دختر ازدواج نماید.

مسألة ۲۱۱۳ - انسان با دختری که خواهر انسان یا زن برادر او از شیر برادرش او را شیر کامل داده باشد محرم است و نمی تواند با او ازدواج کند و همچنین اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوه خواهر یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد.

مسألة ۲۱۱۴ - زن نباید بچه دختر خود را شیر کامل دهد چرا که آن دختر به شوهر خود حرام می شود، همچنین اگر بچه ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد، ولی مانعی ندارد که فرزند پسرش را شیر دهد.

مسألة ۲۱۱۵ - هرگاه زن پدر دختر، بچه شوهر آن دختر را از شیر آن پدر شیر دهد آن دختر به شوهر خود حرام می شود، خواه بچه از همان دختر یا از زن دیگر شوهر او باشد.

### شرایط شیر دادنی که سبب محرم شدن است

- مسأله ۲۱۱۶ - هرگاه زنی کودکی را شیر دهد با آنکه شرط سبب محرم شدن خواهد بود:
- ۱ - شیر از ولادت باشد، بنا بر این اگر پستان بدون تولد فرزندی شیر پیدا کند و کودکی از آن بنوشد سبب محرمیت نمی شود.
  - ۲ - بچه از زن زنده شیر بخورد، پس اگر پستان زن مرده‌ای را به دهان بگیرد و شیر بخورد اثری ندارد.
  - ۳ - شیر آن زن از حرام نباشد، بنا بر این اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه‌ای بدهند به کسی محرم نمی شود.
  - ۴ - شیر را از پستان بکشد، ولی احتیاط واجب آن است اگر شیر را در گلوئی بچه بریزند با آن زن و محارم او ازدواج نکنند.
  - ۵ - شیر را با چیز دیگر مخلوط نکنند.
  - ۶ - شیر از یک شوهر باشد، بنا بر این اگر زنی را که دارای شیر است طلاق دهد بعد شوهر دیگری کند و از او باردار شود و تا موقع وضع حمل شیری که از شوهر اول داشته باقی بماند و مثلاً کودکی را هشت دفعه از شیر شوهر اول و هفت دفعه از شوهر دوم شیر دهد آن کودک به کسی محرم نمی شود، همچنین اگر زنی از شیر شوهر اول کودکی را به طور کامل شیر دهد و بعد از شیر شوهر دوم کودک دیگری را شیر دهد آن دو به یکدیگر محرم نمی شوند.
  - ۷ - کودک به واسطه بیماری شیر را نمی‌نکند، ولی احتیاط واجب آن است در این صورت کسانی که به واسطه شیر دادن به آن بچه محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.
  - ۸ - کودک پانزده مرتبه، یا یک شبانه روز به طوری که در مسأله بعد خواهد آمد شیر کامل بخورد، یا آن مقدار شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روپیده است و احتیاط مستحب آن است که اگر ده مرتبه شیر بخورد کسانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه نیز به او نمایند.
  - ۹ - دو سال کودک تمام نشده باشد، بنا بر این بعد از تمام شدن دو سال اگر به او شیر دهند

- به کسی محرم نمی‌شود، حتی اگر پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد با کسی محرم نمی‌شود، ولی اگر از موفع زاییدن زن بیش از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه‌ای را شیر دهد احتیاط واجب آن است که با زنانی که به واسطه شیر خوردن با او محرم می‌شوند ازدواج نکند و نگاه محرمانه هم ننماید.
- مسئله ۲۱۱۷ - همانطور که در مسئله سابق گفته شد اگر کودکی یک شبانه روز شیر زنی را بخورد باعث محرمیت می‌شود، ولی باید در بین شبانه روز غذا یا شیر زن دیگری را نخورد، مگر اینکه غذا به قدری کم باشد که به حساب نیاید، همچنین در بین پانزده مرتبه شیر خوردن باید شیر زن دیگری را نخورد، و در هر مرتبه باید به قدری بخورد که سیر شود و بنا بر احتیاط دو دفعه به طور ناقص، نه دو دفعه حساب می‌شود و نه یک دفعه.
- مسئله ۲۱۱۸ - هرگاه زنی از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد همه آنان به یکدیگر و به شوهر و زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند و نیز هرگاه کسی دارای چند همسر است، هر کدام از آنان بچه‌ای را شیر کامل دهد، آن بچه‌ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنان محرم می‌شوند.
- مسئله ۲۱۱۹ - هرگاه زنی از شیر یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل دهد آنها به هم محرم می‌شوند، ولی خواهر و برادر آنها به یکدیگر محرم نمی‌شوند.
- مسئله ۲۱۲۰ - مرد نمی‌تواند بدون اذن همسر خود با خواهرزاده یا برادرزاده رضاعی زن خود ازدواج کند و نیز احتیاط واجب آن است که اگر با پسری (العباذبالله) لواط کرده باشد دختر و خواهر مادر رضاعی آن پسر ازدواج نکند.
- مسئله ۲۱۲۱ - اگر زنی برادر کسی را شیر دهد به او محرم نمی‌شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.
- مسئله ۲۱۲۲ - مرد نمی‌تواند با دو خواهر اگر چه رضاعی باشند ازدواج کند و اگر دو زن را عقد کند بعد بفهمد خواهر بوده‌اند عقد اولی صحیح و دومی باطل است و اگر عقد در یک وقت بوده هر دو باطل است.
- مسئله ۲۱۲۳ - اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که در زیر گفته می‌شود شیر دهد شوهرش بر او حرام نمی‌شود، ولی بهتر است این کار را نکند:
- ۱ - برادر و خواهر خودش را.

۲ - عمو و عمه و دایی و خاله خودش را

۳ - عمو زاده و دایی زاده خود را

۴ - برادر زاده خود را

۵ - برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را

۶ - خواهر زاده خود، یا خواهر زاده شوهرش را.

۷ - عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را.

۸ - نوه زن دیگر شوهر را.

مسألة ۲۱۲۴ - هرگاه زنی دختر عمه یا دختر خاله کسی را شیر دهد به او محرم نمی شود، ولی احتیاطاً مستحب آن است که با او ازدواج نکنند.

مسألة ۲۱۲۵ - مردی که دو همسر دارد اگر یکی از آن دو همسر، فرزند عموی زن دیگر را شیر دهد زنی که فرزند عموی او شیر خورده به شوهر خود حرام نمی شود.

### آداب شیر دادن

مسألة ۲۱۲۶ - هیچ کس برای شیر دادن فرزند بهتر از مادر و سزاوارتر از او نیست و بهتر است در برابر شیر دادن مزدی از شوهر خود نگیرد، ولی حق دارد بگیرد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می تواند بچه را از او گرفته به دایه دهد.

مسألة ۲۱۲۷ - در روایات آمده است دایه ای را باید برای طفل انتخاب کرد که دارای عقل و ایمان و عفت و صورت نیکو باشد و از گرفتن دایه کم عقل یا غیر مؤمنه یا بد صورت و کج خلق یا زنازاده خودداری شود و همچنین از انتخاب دایه ای که بچه او از زنا به دنیا آمده و شیرش شیر زنا زاده است پرهیز شود.

### مسائل متفرقه شیر دادن

مسألة ۲۱۲۸ - خوب است زنها هر بچه ای را شیر ندهند، زیرا ممکن است فراموش کنند به چه کسانی شیر داده اند و بعداً دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج کنند، مخصوصاً در این ایام که با وجود امکان استفاده از شیر خشک و امثال آن کمتر ضرورتی برای شیر دادن به بچه های دیگر وجود دارد.

**مسألة ۲۱۲۹** - کسانی که به واسطه شیر خوردن با یکدیگر خویشاوند می شوند مستحب است یکدیگر را احترام کنند، ولی حقوق خویشاوندی ندارند و از یکدیگر ارث نمی برند.

**مسألة ۲۱۳۰** - مستحب است در صورتی که ممکن باشد بچه را دو سال تمام شیر بدهند.

**مسألة ۲۱۳۱** - زن می تواند بدون اجازه شوهر بچه دیگری را شیر دهد، به شرط آنکه حق شوهر از بین نرود، ولی جایز نیست بچه ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن آن بچه نسبت به شوهر خود حرام شود.

**مسألة ۲۱۳۲** - هرگاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می تواند دختر شیرخواری را با اجازه ولی او به عقد موقت خود درآورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد و بنا بر احتیاط واجب باید مدت عقد موقت به قدری باشد که دختر به حد قابلیت بهره گیری جنسی برسد و چنین عقدی موافق مصلحت دختر نیز باشد، بعد از آنکه شیر دادن تمام شد می تواند مدت عقد موقت را به او ببخشد.

**مسألة ۲۱۳۳** - شیر دادنی که علت محرم شدن است به دو چیز ثابت می شود: اول خیر دادن عده ای که انسان از گفته آنها یقین پیدا کند.

دوم شهادت دو مرد عادل یا چهار زن عادل، بلکه احتیاط واجب آن است که به شهادت یک مرد با یک زن هم اکتفا کند، ولی شاهدها باید شرایط شیر دادن را هم بگویند، مثلاً بگویند ما دیده ایم که فلان بچه پانزده بار از پستان فلان زن شیر کامل با شرایطی که در مساله ۲۱۱۶ گفته شده خورده است و اگر بدانیم همه آنها شرایط را می دانند و در آن توافق دارند، شرح دادن آن لازم نیست.

**مسألة ۲۱۳۴** - هرگاه ندانند آیا کودک به مقداری که سبب محرم شدن است شیر خورده یا نه، محرم بودن ثابت نمی شود باید یقین حاصل شود.

\* \* \*

## احکام طلاق

**مسألة ۲۱۳۵** - مردی که همسر خود را طلاق می دهد باید عاقل و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد و به اختیار خود طلاق دهد بنا بر این طلاق از روی اجبار باطل است و نیز باید قصد



جدی داشته باشد، بنابراین اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.

مسألة ۲۱۳۶ - بنابراین احتیاط واجب باید صیغه طلاق به عربی صحیح خوانده شود و واجب است دو مرد عادل آن را بشنوند، اگر خود شوهر بخواند صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه است می گوید: «زَوْجَتِي فَاطِمَةُ طَالِقٌ» (یعنی همسر فاطمه از همسری رهاست) و اگر دیگری را وکیل کنند آن وکیل باید بگوید: «زَوْجَةُ مُوَكَّلِي فَاطِمَةُ طَالِقَةٌ» یعنی همسر موکل من رهاست.

مسألة ۲۱۳۷ - زن باید هنگام طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و تیز شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و اگر در حال حیض و نفاس که پیش از این پاک بوده یا او نزدیکی نموده باشد بنابراین احتیاط، طلاق کافی نیست، بلکه باید دوباره عادت شود و پاک گردد (شرح این دو شرط در مسائل آینده خواهد آمد).

مسألة ۲۱۳۸ - طلاق دادن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

۱ - شوهر بعد از ازدواج مطلقاً با او نزدیکی نکرده باشد.

۲ - باردار باشد.

۳ - زن غایب باشد و مرد نتواند یا برایش مشکل باشد که پاک بودن زن را بفهمد.

مسألة ۲۱۳۹ - هرگاه زن را از خون حیض پاک می دانسته و طلاقش داده، بعد معلوم شود که هنگام طلاق در حال حیض بوده طلاق او باطل است و به عکس اگر او را در حال حیض بدانند و طلاق دهد، بعد معلوم شود پاک بوده طلاق او صحیح است.

مسألة ۲۱۴۰ - هرگاه کسی می داند همسرش در حال حیض یا نفاس بوده اگر غایب شود، مثلاً مسافرت کند و بخواهد او را طلاق دهد و نتواند از حالش باخبر شود باید تا مدتی که معمولاً از حیض یا نفاس پاک می شود صبر کند.

مسألة ۲۱۴۱ - هرگاه با همسرش نزدیکی کرده و بخواهد طلاقش دهد باید صبر کند حیض ببیند و پاک شود، ولی اگر باردار باشد می تواند بعد از نزدیکی کردن بلافاصله او را طلاق دهد، همچنین اگر پائسه باشد یعنی بیشتر از پنجاه سال داشته باشد.

مسألة ۲۱۴۲ - هرگاه با همسرش که از حیض و نفاس پاک بوده نزدیکی کند سپس مسافرت نماید و راهی برای تحقیق از حال زن نباشد چنانچه بخواهد او را طلاق دهد احتیاط واجب آن است که حداقل یک ماه صبر کند و بعد طلاق دهد.

مسألة ۲۱۴۳ - زنی که به واسطه بیماری یا غیر آن عادت ماهانه نمی بیند هرگاه مرد بخواهد او را طلاق دهد باید از زمانی که با او نزدیکی کرده تا سه ماه از نزدیکی خود داری کند و بعد او را طلاق دهد.

مسألة ۲۱۴۴ - ازدواج موقت طلاق ندارد، هر زمان مدتش تمام شود یا مرد مدت را به او ببخشد از قید همسری او رها می شود و پاک بودن از عادت ماهانه و همچنین شاهد گرفتن لازم نیست.

### عده طلاق

مسألة ۲۱۴۵ - زنی که از شوهرش طلاق گرفته باید عده نگه دارد، مگر اینکه شوهر با او اصلاً نزدیکی نکرده باشد، یا قبل از آنکه مال طلاقش دهد، یا زن یا نسه باشد یعنی پنجاه سال از عمر او گذشته باشد، در این سه صورت بعد از طلاق می تواند بلافاصله شوهر کند.

مسألة ۲۱۴۶ - مقدار عده در مورد زنانی که عادت می شوند احتیاط آن است که به قدری صبر کند که دوباره حیض ببیند و پاک شود هنگامی که حیض سوم را دید عده او تمام است.

مسألة ۲۱۴۷ - زنی که عادت ماهانه نمی بیند اگر در سن زنانی باشد که عادت می بینند چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق سه ماه عده نگه دارد و منظور از سه ماه آن است که اگر اول ماه است سه ماه تمام هلالی و اگر روز دیگری از ماه است مانند پنجم یا دهم هنگامی که پنجم یا دهم ماه چهارم شود عده او تمام است، مثلاً اگر پنجم ماه رجب او را طلاق گفته، پنجم ماه شوال عده او تمام است.

مسألة ۲۱۴۸ - پایان عده زن باردار، متولد شدن فرزند یا ساقط شدن آن است، حتی اگر یک ساعت بعد از طلاق بچه به دنیا آید عده او تمام می شود و می تواند شوهر کند.

مسألة ۲۱۴۹ - عده ازدواج موقت بعد از تمام شدن مدت، در صورتی که عادت ماهانه می بیند، به مقدار دو حیض کامل است و اگر عادت نمی بیند چهل و پنج روز تمام است.

مسألة ۲۱۵۰ - ابتدای شروع عده طلاق از آن موقعی است که صیغه طلاق خوانده می شود، خواه زن بداند یا نداند، حتی اگر بعد از تمام شدن مدت عده بفهمند او را طلاق داده اند لازم نیست دوباره عده نگه دارد.

### عده زنی که شوهرش مرده

مسأله ۲۱۵۱ - زنی که همسرش از دنیا رفته بابد چهارماه و ده روز عده نگه دارد، خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، شوهرش با او نزدیکی کرده باشد یا نه، حتی زن یائسه نیز باید عده وفات نگه دارد و اگر باردار است باید تا هنگام وضع حمل عده نگه دارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهارماه و ده روز فرزندش به دنیا آید باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهر عده را ادامه دهد.

مسأله ۲۱۵۲ - زن در مدت عده وفات باید از پوشیدن لباسهای زینتی و کشیدن سرمه در چشم و کارهای دیگری که زینت حساب می شود خودداری کند.

مسأله ۲۱۵۳ - هرگاه زن یقین کند همسرش از دنیا رفته و عده وفات نگه دارد و بعداً شوهر کند، چنانچه معلوم شود شوهر او بعد مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و احتیاط واجب آن است که اگر باردار است به مقداری که در عده طلاق گفته شد برای شوهر دوم عده طلاق نگه دارد و بعد از آن برای شوهر اول چهار ماه و ده روز عده وفات نگه دارد و اگر باردار نیست برای شوهر اول عده وفات نگه دارد و بعد برای شوهر دوم عده طلاق.

مسأله ۲۱۵۴ - ابتدای عده وفات در صورتی که شوهر غایب باشد و فوت کند از موقعی است که زن از مرگ شوهر با خبر می شود.

مسأله ۲۱۵۵ - هرگاه زن بگوید عده من تمام شده از او قبول می شود، به شرط آنکه مورد اتهام نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که مورد وثوق باشد.

### طلاق بائن و رجعی

مسأله ۲۱۵۶ - طلاق بر دو قسم است: «طلاق بائن» و «طلاق رجعی»

طلاق بائن آن است که مرد در آن حق رجوع به زن خود را ندارد، (منظور از رجوع آن است که مرد بدون عقد با زن آشتی کند و او را مجدداً به همسری پذیرد)  
طلاق بائن بر پنج قسم است:

۱ - طلاق زنی که نه سالش تمام نشده ۲ - طلاق زن یائسه، یعنی زنی که بیشتر از ۵۰ سال دارد ۳ - طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد، با او نزدیکی نکرده باشد ۴ - طلاق سوم زنی

که او را سه بار طلاق داده‌اند ۵ - طلاق خلع و مبارات که شرح آن بعداً خواهد آمد. و غیر اینها را طلاق رجعی گویند که تا وقتی زن در عده است مرد می‌تواند به او رجوع کند.

مسألة ۲۱۵۷ - هرگاه مرد همسرش را طلاق رجعی دهد نمی‌تواند او را از خانه‌ای که موقع طلاق در آن بوده بیرون کند (مگر در بعضی از موارد که در کتابهای مفصل فقهی آمده است)، همچنین بر خود زن نیز حرام است که برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود.

### احکام رجوع

مسألة ۲۱۵۸ - در طلاق رجعی مرد می‌تواند به زن خود رجوع کند، بدون آنکه صیغه عقد تازه‌ای بخواند و رجوع کردن بر دو قسم است: ۱ - سخنی بگوید که معنایش این باشد که آن زن را دوباره به همسری خود پذیرفته است ۲ - کاری انجام دهد که همین معنی را برساند.

مسألة ۲۱۵۹ - لازم نیست مرد هنگام رجوع کردن شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، حتی اگر بدون اینکه کسی بفهمد بگوید: به همسرم رجوع کردم صحیح است.

مسألة ۲۱۶۰ - هرگاه مرد از همسرش مالی بگیرد و با او مصالحه کند که بعد از طلاق به او رجوع نکند، یا حق رجوع نداشته باشد، حق رجوع از بین نمی‌رود.

مسألة ۲۱۶۱ - هرگاه همسرش را دوباره طلاق دهد بعد عقدش کند و یا به او رجوع کند (و بنا بر احتیاط واجب در هر بار نزدیکی نماید و بعد از دیدن حیض و پاک شدن او را طلاق دهد) در مرتبه سوم که او را طلاق داد، آن زن بر او حرام می‌شود و تنها در صورتی بر او حلال خواهد شد که بعد از گذشتن عده به عقد دائم شوهر دیگری درآید و با او نزدیکی کند، سپس او را طلاق دهد، بعد از عده شوهر اول می‌تواند با او ازدواج کند.

### طلاق خلع

مسألة ۲۱۶۲ - زنی که مایل نیست با شوهرش زندگی کند، و بیم آن می‌رود که ادامه همسری آنها باعث گناه شود می‌تواند مهر خود یا مال دیگری را به او ببخشد که طلاقش دهد، این را «طلاق خلع» گویند.

مسألة ۲۱۶۳ - احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع به صورت زیر باشد: اگر خود

شوهر می‌خواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن مثلاً «فاطمه» است می‌گوید: «زَوْجَتِي فَاطِمَةَ خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ» یعنی (زنم فاطمه را در برابر چیزی که بخشیده است طلاق دادم، او رهاست) و اگر وکیل او بخواند صیغه را بخواند احتیاط واجب آن است که یک نفر از طرف زن وکیل شود و دیگری از طرف مرد، چنانچه مثلاً اسم شوهر «محمد» و اسم زن «فاطمه» است، وکیل زن می‌گوید: «عَنْ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ بَدَّلْتُ مَهْرَهَا لِمُوَكَّلِكَ مُحَمَّدٍ لِيَخْلَعَهَا عَلَيْهِ» پس از آن وکیل مرد بدون فاصله می‌گوید: «زَوْجَةُ مُوَكَّلِي خَلَعْتُهَا عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ هِيَ طَالِقٌ» (و اگر زن چیز دیگری غیر از مهر را به شوهر ببخشد باید نام همان را در موقع خواندن صیغه ببرد).

### طلاق مبارات

مسألة ۲۱۶۴ - هرگاه زن و شوهر بکدیگر را نخواهند و زن مهر خود یا مال دیگری را به مرد ببخشد که او را طلاق دهد آن را طلاق مبارات گویند.

مسألة ۲۱۶۵ - احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق مبارات را به طریق زیر بخوانند، اگر خود شوهر صیغه را می‌خواند و مثلاً اسم زن فاطمه است می‌گوید: «بَارَأْتُ زَوْجَتِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ قَهْنٌ طَالِقٌ» یعنی «مبارات کردم»<sup>(۱)</sup> زنم فاطمه را در مقابل مهر او، پس او رها است» (و اگر چیزی غیر مهر را می‌دهد باید آن را نام ببرد) و در صورتی که وکیل مرد بخواند صیغه را بخواند می‌گوید: «بَارَأْتُ زَوْجَةَ مُوَكَّلِي فَاطِمَةَ عَلَيَّ مَا بَدَّلْتُ قَهْنٌ طَالِقٌ» البته قبلاً باید زن مهر خود بلکه چیزی کمتر از آن را به شوهر در برابر طلاق مبارات بخشیده باشد.

مسألة ۲۱۶۶ - احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق خلع و مبارات به عربی صحیح خوانده شود، ولی اگر زن برای بخشیدن مال خود به شوهر به فارسی بگوید: فلان مال را به تو بخشیدم تا مرا طلاق دهی مانعی ندارد.

مسألة ۲۱۶۷ - زن می‌تواند در بین عده طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد و اگر برگردد شوهر می‌تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را همسر خود قرار دهد.

مسألة ۲۱۶۸ - مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می‌گیرد باید بیشتر از مهر نباشد بلکه

احتیاط واجب آن است که کمتر باشد، ولی در طلاق خلع هر مقدار باشد اشکال ندارد.

### احکام متفرقه طلاق

مسألة ۲۱۶۹ - هرگاه با زن نامحرمی به گمان اینکه همسر اوست نزدیکی کند، زن باید عده نگهدارد (به مقدار عده طلاق) خواه زن بداند که او شوهرش نیست یا نه و اگر مرد می‌داند که آن زن همسرش نیست ولی زن او را شوهر خود می‌داند در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب باید عده نگه دارد.

مسألة ۲۱۷۰ - اگر مردی زنی را فریب دهد که از شوهرش طلاق بگیرد و همسر او شود طلاق و عقد آن زن صحیح است، ولی هر دو معصیت بزرگی انجام داده‌اند (البته این در صورتی است که قبلاً زنا یا آن زن نکرده باشد و الا بر او حرام ابدی است).

مسألة ۲۱۷۱ - اگر زن در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهر مثلاً مسافرت نماید، یا معتاد به مواد مخدر گردد، یا خرجی او را ندهد اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است، ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلقه کند این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

مسألة ۲۱۷۲ - زنی که شوهرش مفقود الاثر شده و نمی‌داند زنده است یا نه، اگر بخواهد طلاق بگیرد و شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و مطابق دستور مخصوصی که در شرع وارد شده عمل نماید.

مسألة ۲۱۷۳ - پدر و جد پدری دیوانه می‌توانند زن او را در صورت مصلحت طلاق دهند، اما ولی صغیر اگر همسر دائمی برای او عقد کرده است بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند او را طلاق دهد، اما اگر همسر موقت برای او عقد کرده می‌تواند باقیمانده مدت را در صورت مصلحت ببخشد.

مسألة ۲۱۷۴ - هرگاه کسی دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنها طلاق دهد، دیگری که آنان را عادل می‌داند بنا بر احتیاط واجب نباید آن زن را برای خود یا دیگری عقد کند، ولی اگر شک در عدالت آنها داشته مانعی ندارد.

## احکام غضب

مسألة ۲۱۷۵ - غضب آن است که انسان بر مال یا حق کسی از روی ظلم مسلط شود، غضب یکی از گناهان کبیره است که در قیامت مجازات سخت دارد و در دنیا عواقب دردناک، در روایتی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که هرکس یک وجب زمین دیگری را غضب کند در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن، مثل طوق به گردن او می اندازند.

مسألة ۲۱۷۶ - هرگاه کسی نگذارد مردم از مسجد یا مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غضب نموده، همچنین اگر کسی در مسجد و مانند آن جایی برای خود می گیرد و دیگری نگذارد از آن استفاده کند.

مسألة ۲۱۷۷ - مسلط شدن بر اموال بیت المال مسلمین بدون حق نیز غضب است و تمام احکام غضب را دارد و مسئولیتش از جهانی بیشتر است.

مسألة ۲۱۷۸ - مالی را که نزد کسی رهن (گرو) گذاشته اند اگر دیگری غضب کند، صاحب مال و طلبکار هر کدام می توانند آن را از او مطالبه کنند و اگر از بین برود و عوض آن را بگیرند، آن عوض به جای مال رهن خواهد بود.

مسألة ۲۱۷۹ - واجب است شخص غاصب مالی را که غضب کرده هرچه زودتر به صاحبش برگرداند، و هر قدر تأخیر کند گناه بیشتری برای او نوشته می شود و اگر تلف شود باید عوض آن را بدهد.

مسألة ۲۱۸۰ - هرگاه از مالی که غضب کرده منفعتی به دست آید، مانند اینکه بره ای از گوسفند غصبی متولد شود، یا میوه ای از باغ غصبی به دست آید، تمام آن ملک صاحب مال است، هر چند غاصب هم زحمت کشیده باشد و اگر کسی خانه ای را غضب کند باید مال الاجاره آن را در مدتی که دست او برده مطابق معمول بپردازد، هر چند از خانه استفاده نکرده باشد و همچنین اموال دیگر مانند اتومبیل و غیر آن.

مسألة ۲۱۸۱ - هرگاه مالی را از بچه یا دیوانه ای غضب کند، باید آن را به ولی او بازگرداند

و اگر به دست آن بچه یا دیوانه دهد و از بین برود ضامن است.

مسألة ۲۱۸۲ - هرگاه دو یا چند نفر به اتفاق هم مالی را غصب کنند هر کدام آنان ضامن قسمتی از آن مال است (اگر دو نفر باشند هر کدام نصف و اگر سه نفر باشند هر کدام ثلث آن را ضامن است) خواه به تنهایی می توانسته آن را غصب کند یا نه.

مسألة ۲۱۸۳ - هرگاه مالی را که غصب کرده با چیز دیگری مخلوط شود، چنانچه جدا کردن آنها ممکن باشد باید جدا کنند و به صاحبش برگردانند، هر چند زحمت داشته باشد و اگر جای دوردستی آن را قرار داده تمام مخارج رساندن آن مال به دست صاحبش بر عهده غاصب است.

مسألة ۲۱۸۴ - اگر ظرف یا چیز دیگری را که غصب کرده خراب نماید باید آن را با تفاوت قیمتی که حاصل شده به صاحبش بدهد و اگر برای اینکه تفاوت را ندهد بگوید آن را مثل اولش می سازم مالک مجبور نیست قبول کند و نیز مالک نمی تواند غاصب را مجبور کند که آن را مثل اولش بسازد، فقط می تواند تفاوت قیمت را بگیرد.

مسألة ۲۱۸۵ - هرگاه مالی را که غصب کرده طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود، مثلاً طلای غصبی را به صورت گوشواره و گردن بند در آورد، چنانچه صاحب مال بگوید آن را به همین صورت به من بده باید بدهد، و نمی تواند برای زحمت خود مزدی بگیرد، حتی نمی تواند بدون اجازه مالک آن را به صورت اول بازگرداند و اگر بدون اجازه او آن را به صورت اول بازگرداند احتیاط واجب این است که تفاوت قیمت را بدهد.

مسألة ۲۱۸۶ - هرگاه مالی غصبی را طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود ولی صاحب مال برای منظور خاصی بگوید باید آن را به صورت اول درآوری واجب است چنین کند و اگر عیبی بر آن وارد شود و قیمت آن از اول کمتر گردد باید تفاوت آن را به صاحبش بدهد.

مسألة ۲۱۸۷ - هرگاه در زمینی که غصب کرده زراعت کند یا درخت بنشاند، زراعت و درخت و میوه آن مال غاصب است، ولی باید اجاره زمین را در مدتی که زراعت و درخت در آن بوده به صاحب زمین بدهد و چنانچه در اثناء کار صاحب زمین راضی نباشد که زراعت و درخت در آن زمین بماند غاصب باید فوراً آن را بکند، هر چند باعث خسارت او شود و اگر نقصی در زمین پیدا شود باید تفاوت قیمت را بدهد و غاصب نمی تواند صاحب زمین را مجبور کند که زمین را به او بفروشد یا اجاره دهد، همچنین صاحب زمین نمی تواند



غاصب را مجبور کند که زراعت یا درخت را به او بفروشد.

مسألة ۲۱۸۸ - هرگاه مالی را که غصب کرده از بین برود در صورتی که از چیزهایی باشد که مثل و مانند آن معمولاً کمیاب است مانند بسیاری از حیوانات و بسیاری از فرشهای دست بافت، باید قیمت آن را بدهد و اگر قیمت بازار آن فرق کرده باشد باید قیمت روزی را که تلف کرده بدهد و اگر از چیزهایی است مانند گندم و جو و بسیاری از فرشهای ماشینی و انواع پارچه‌ها و ظرفهایی که با کارخانه‌ها درست می‌شود که معمولاً مثل آن فراوان است، باید مثل همان چیز را که غصب کرده بدهد، ولی باید خصوصیاتش مثل همان مالی باشد که از بین رفته است.

مسألة ۲۱۸۹ - هرگاه حیوانی مانند گوسفند را غصب کند و از بین برود چنانچه در مدتی که نزد او بوده چاق شده سپس از بین رفته است، باید افزایش قیمت آن را که به خاطر چاقی بوده نیز بدهد.

مسألة ۲۱۹۰ - هرگاه مالی را که غصب کرده غاصب دیگری از غاصب اول بگیرد و از بین برود احتیاط آن است صاحب مال عوض آن را از هر کدام مطالبه کند بدهد.

مسألة ۲۱۹۱ - هرگاه معامله باطلی انجام گیرد، مثلاً جنسی را که باید با وزن خرید و فروش کند بدون وزن معامله نماید، نه خریدار مالک جنس می‌شود و نه فروشنده مالک قیمت، ولی اگر هر دو قطع نظر از معامله راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند اشکالی ندارد و گرنه مثل مالی غصبی است و باید آنها را برگردانند و در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود باید عوض آن را بدهد، چه بداند معامله باطل بوده و چه نداند.

مسألة ۲۱۹۲ - اگر مالی را از فروشنده بگیرد تا آن را درست ببیند و اگر پسندید بخرد، اگر آن مال تلف شود احتیاط واجب آن است که عوض آن را به صاحبش بدهد.



## احکام اموال گمشده

مسألة ۲۱۹۳ - مال گمشده‌ای را که انسان پیدا می‌کند اگر نشانه‌ای ندارد که با آن صاحبش معلوم شود (مانند یک اسکناس صد تومانی یا یک سکه طلا) احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش آن را صدقه دهد و اگر خود او مستحق است می‌تواند بردارد و اگر مال مهمی باشد احتیاط آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.

مسألة ۲۱۹۴ - هرگاه مالی را که پیدا کرده نشانه دارد ولی قیمت آن کمتر از یک درهم است<sup>(۱)</sup> چنانچه صاحب آن معلوم باشد نمی‌تواند بدون رضایت او آن را بردارد و اگر صاحب آن معلوم نباشد می‌تواند بردارد و تملک کند و از آن استفاده نماید و در صورت تلف شدن لازم نیست عوض آن را بدهد، بلکه اگر قصد تملک هم نکرده باشد و بدون تقصیر او تلف شود دادن عوض آن واجب نیست.

مسألة ۲۱۹۵ - احتیاط واجب آن است که اگر در حرم مکه مالی که قیمت آن به اندازه یک درهم یا بیشتر است پیدا کند آن را بر ندارد.

مسألة ۲۱۹۶ - هرگاه مالی را که پیدا کرده نشانه دارد و قیمتش به اندازه یک درهم یا بیشتر است، باید آن را تا یک سال اعلام کند (چنانچه از روزی که پیدا کرده تا یک هفته هر روز اعلام کند، بعد هفته‌ای یک بار در آخر سال در محل اجتماع مردم کافی است) چه آن مال متعلق به مسلمانی باشد یا کافری که در امان مسلمانان است اعلام کردن واجب است.

مسألة ۲۱۹۷ - هرگاه بجای اعلام کردن لفظی اعلان کتبی در محلی که مرکز رفت و آمد مردم است نصب کند و مردم آنجا غالباً با سواد باشند یا افراد با سواد اعلان را برای بی‌سوادان بخوانند و تا یکسال اعلان در آنجا بماند کافی است.

مسألة ۲۱۹۸ - هرگاه قبل از فرا رسیدن یک سال، از پیدا کردن صاحب آن مأیوس شود و یا از اول مأیوس باشد که صاحب آن را پیدا کند احتیاط واجب آن است که آن مال را از

طرف صاحب اصلیش به فقیر بدهد.

**مسألة ۲۱۹۹ -** هرگاه در یکی از حرمهای مقدس، یا مساجد، محلی برای گمشده‌ها تعیین شود و مردم بدانند برای پیدا کردن گمشده خود باید به آن محل مراجعه کنند و متصدیان آن محل مورد اعتماد باشند کافی است که گمشده را به محل آن تحویل دهد و آنها تا یک سال باید آن را نگهداری کنند و اگر صاحب آن پیدا نشد طبق مسأله بعد عمل نماید و اگر در بعضی از شهرها چنین محلی برای گمشده‌ها در نظر گرفته شود و مردم از آن باخبر باشند وظیفه اعلان کردن یا سپردن گمشده به آن محل، از دوش مردم برداشته می‌شود.

**مسألة ۲۲۰۰ -** هرگاه تا یک سال اعلان کند و یا در محل اعلان شده نگهداری شود و صاحب مال پیدا نشود، پیدا کننده مخیر است یکی از چهار کار را انجام دهد: ۱ - آن را برای خود بردارد به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد اگر آن مال موجود نیست عوض آن را به او بدهد ۲ - به صورت امانت برای او نگهداری کند ۳ - از طرف صاحبش صدقه در راه خدا بدهد ۴ - آن را به حاکم شرع بپارد و احتیاط مستحب صدقه دادن یا سپردن به حاکم شرع است.

**مسألة ۲۲۰۱ -** هرگاه بعد از یک سال اعلان کردن، صاحب مال پیدا نشود و مال را به عنوان امانت برای صاحبش نگهداری کند و مال از بین برود چنانچه در نگهداری آن کوتاهی، یا زیاده روی نکرده باشد ضامن نیست، ولی اگر از طرف صاحبش صدقه دهد اگر صاحبش پیدا شد و به صدقه دادن راضی نشد باید عوض آن را به او بدهد.

**مسألة ۲۲۰۲ -** هر کودک نابالغی مالی را پیدا کند احتیاط واجب آن است که ولی او اعلان نماید و چنانچه تا یک سال صاحب آن پیدا نشد مطابق یکی از دستوره‌های چهارگانه گذشته، آنچه مطابق مصلحت کودک است عمل می‌نماید.

**مسألة ۲۲۰۳ -** هرگاه در اثناء سال که مشغول اعلان کردن است مال از بین برود ضامن نیست، مگر اینکه در نگهداری آن کوتاهی یا زیاده روی کرده باشد.

**مسألة ۲۲۰۴ -** هرگاه مالی را پیدا کند و به گمان اینکه مال خود اوست بردارد، بعد بفهمد مال او نیست، نمی‌تواند آن را در همانجا بیندازد، بلکه باید مطابق دستوری که گذشت تا یک سال اعلان نماید و اگر با پای خود آن را تکان دهد این حکم را ندارد، هر چند خود این کار اشکال دارد.

مسألة ۲۲۰۵ - باید در موقع اعلان کردن طوری بگوید که نشانه‌های آن روشن نشود و اگر کسی آمد و نشانه‌های آن را داد به طوری که اطمینان حاصل شد مال اوست باید به او بدهد، ولی لازم نیست نشانه‌هایی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملتفت آن نیست بگوید.

مسألة ۲۲۰۶ - مالی که پیدا کرده اگر قیمت آن یک درهم یا بیشتر باشد چنانچه اعلان نکند و آن را در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و از بین برود، یا دیگری آن را بردارد کسی که آن را در آغاز پیدا کرده است ضامن است.

مسألة ۲۲۰۷ - هرگاه مالی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود مانند بسیاری از غذاها و میوه‌ها باید تا مدتی که فاسد نمی‌شود آن را نگهدارد، بعد قیمت کند و خودش آن را مصرف نماید یا بفروشد و پولش را نگهدارد و اگر صاحب آن پیدا نشد از طرف او صدقه دهد و احتیاط مستحب آن است که اگر دسترسی به حاکم شرع دارد از او اجازه بگیرد.

مسألة ۲۲۰۸ - هرگاه مالی را که پیدا کرده موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه داشته باشد، در صورتی که قصدش این است که آن را به این وسیله حفظ کند تا به دستور شرع درباره آن عمل نماید اشکالی ندارد.

مسألة ۲۲۰۹ - هرگاه کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، چنانچه بدانند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده و این کار عمداً انجام شده و دسترسی به آن شخص نیست، می‌تواند آن را به جای کفش خود بردارد و چنانچه دسترسی به حاکم شرع دارد از او اجازه بگیرد و هرگاه قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد و اگر از پیدا شدن او مأیوس شود زیادی را از طرف صاحبش صدقه می‌دهد، ولی اگر یقین دارد با احتمال می‌دهد کفشی که مانده مال کسی نیست که کفش او را برده، چنانچه از پیدا کردن صاحب آن مأیوس باشد باید آن را صدقه دهد.

مسألة ۲۲۱۰ - اگر مالی را که پیدا کرده کمتر از یک درهم ارزش دارد در مسجد یا جای دیگر بگذارد و از آن صرف نظر کند اگر کسی دیگری آن را بردارد برای او حلال است.

مسألة ۲۲۱۱ - در مواردی که مال را از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه می‌دهند به سید یا غیر سید می‌توان داد و اگر خودش مستحق باشد خودش نیز می‌تواند بردارد.

## احکام سر بریدن و شکار حیوانات

مسألة ۲۲۱۲ - اگر حیوان حلال گوشتی را با شرایطی که بعداً گفته می‌شود سر ببرند خوردن گوشت آن حلال است، خواه اهلی باشد یا وحشی، مگر حیوانی که انسانی یا آن وحشی و نزدیکی کرده که گوشت آن و وحشی گوشت بچه آن حرام است و همچنین حیوانی که نجاست‌خوار شده، مگر اینکه با دستوری که در شرع معین گردیده، آن را غذای پاک بدهند و پاک کنند.

مسألة ۲۲۱۳ - حیوان حلال گوشت وحشی مانند آهو و بزکوهی و کبک و امثال آن و همچنین حیوان حلال گوشت اهلی که بعداً وحشی شده، مثل گاو و شتر اهلی که فرار کرده و وحشی شده، اگر بوسیله اسلحه (با دستوری که بعداً گفته می‌شود) آن را شکار کنند حلال است، ولی حیوان حلال گوشت اهلی را اگر شکار کنند حلال نمی‌شود، همچنین حلال گوشت وحشی که به وسیله تربیت کردن اهلی شده است.

مسألة ۲۲۱۴ - حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار کردن حلال می‌شود که توانایی بر فرار داشته باشد، بنابراین بچه آهو یا بچه کبک که نمی‌تواند فرار کند با شکار کردن حلال نمی‌شود.

مسألة ۲۲۱۵ - حیوان حلال گوشتی که مانند ماهی خون جهنده (روان) ندارد اگر به خودی خود در آب بمیرد پاک است، ولی گوشت آن حرام است.

مسألة ۲۲۱۶ - حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد مانند مار با سر بریدن حلال نمی‌شود ولی مرده آن پاک است.

مسألة ۲۲۱۷ - سنگ و خوک به واسطه سر بریدن و شکار کردن پاک نمی‌شود و گوشت آنها نیز حرام است و حیوان حرام گوشتی که درنده و گوشت‌خوار است مانند گرگ و پلنگ اگر به دستوری که گفته می‌شود سر ببرند یا با اسلحه شکار کنند پاک است، ولی گوشت آن حلال نمی‌شود، همچنین اگر با سنگ شکاری آن را شکار کنند.

مسألة ۲۲۱۸ - فیل و خرس و بوزینه و موش و حیواناتی که مانند مار و موسمار در داخل

زمین زندگی می‌کند، هر کدام خون جهنده دارد اگر به خودی خود بمیرد نجس است، ولی اگر سر آنها را ببرند یا آنها را شکار کنند پاک است.

مسألة ۲۲۱۹ - اگر از شکم حیوان زنده بچه مرده‌ای بیرون آید یا بیرون آورند، گوشت آن حرام است.

### دستور ذبح حیوانات

مسألة ۲۲۲۰ - برای سر بریدن حیوان اگر حلقوم و دو رگ بزرگ گردن را به طور کامل ببرند کافی است ولی احتیاط مستحب آن است که چهار رگ بزرگ یعنی دو رگ بزرگ گردن به اضافه حلقوم و مری از پایین برآمدگی گلو بریده شود.

مسألة ۲۲۲۱ - اگر بعضی از این رگها را ببرند و صبر کنند تا حیوان بمیرد بعد بقیه را ببرند فایده ندارد، بلکه اگر به این مقدار هم صبر نکنند ولی به طور معمول رگها را پشت سر هم ببرند اگر چه هنوز حیوان جان داشته باشد اشکال دارد.

مسألة ۲۲۲۲ - هرگاه گرگ، گلوی گوسفند را به طوری بکند که از رگهای گردن که باید موقع ذبح بریده شود چیزی باقی نماند آن حیوان حرام می‌شود. ولی اگر آن رگها سالم باشد در صورتی که گوسفند هنوز زنده است و آن رابه دستوری که گفته شد سر ببرند حلال می‌باشد.

### شرایط ذبح حیوانات

مسألة ۲۲۲۳ - سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:

۱ - ذبح کننده بنا بر احتیاط واجب باید مسلمان باشد. ناصبی‌ها یعنی کسانی که با اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام دشمنی دارند در حکم کفارند.

۲ - باید سر حیوان را با جسم تیزی که از آهن، یا فلز دیگر باشد ببرند، ولی اگر احتیاج به ذبح باشد و آهن پیدا نشود، یا اگر سر حیوان را ببرند می‌میرد و دسترسی به آهن نیست، با هر چیز تیزی که رگها را بتواند جدا کند (مانند شیشه و سنگ و چوب تیز) می‌شود آن را ذبح کرد.

۳ - در موقع سر بریدن باید جلو بدن حیوان رو به قبله باشد و اگر عمداً رو به قبله نکنند حیوان حرام می‌شود، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله یا اشتباه کردن قبله، حیوان را به سمتی غیر از قبله سر ببرند حرام نیست.

۴ - هنگام سر بردن باید نام خدا را ببرد همین قدر که بگوید «بِسْمِ اللَّهِ» یا «بِحَازِ اللَّهِ» یا بگوید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» کافی است و به زبان فارسی یا هر زبان دیگر نیز جایز است، ولی اگر بدون قصد سر بردن نام خدا را ببرد کافی نیست و در صورتی که از روی فراموشی نام خدا را نبرد اشکال ندارد.

۵ - باید حیوان بعد از سر بردن حرکتی کند اگرچه مثلاً چشم یا دم خود را حرکت دهد یا پای خود را به زمین زند که معلوم شود زنده بوده و احتیاط واجب آن است که خون به مقدار کافی از آن بیرون بریزد.

مسئله ۲۲۲۴ - کسی که حیوان را ذبح می کند می تواند مرد باشد یا زن یا بچه نابالغی که دستورات ذبح را می داند، ولی بهتر است تا دسترسی به مرد باشد؛ نان و کوردکان را معاف دارند.

مسئله ۲۲۲۵ - سر بردن حیوانات بوسیله دستگاههای ماشینی که شرایط گذشته در آن رعایت شود جایز است.

مسئله ۲۲۲۶ - هرگاه چند مرغ یا چند حیوان را با هم سر ببرند یک بسم الله برای همه آنها کافی است، همچنین هرگاه با ماشین، تعداد زیادی حیوان را در زمان واحد (با وجود شرایط دیگر) سر ببرند یک بسم الله کفایت می کند و اگر ماشین مرتباً کار می کند احتیاط آن است مرتباً نام خدا را تکرار کنند.

### دستور کشتن شتر

مسئله ۲۲۲۷ - برای کشتن شتر باید با پنج شرطی که برای سر بردن حیوانات گفته شد، کارد یا چیزی دیگری را که از آهن و برنده باشد در گودی پایین گردنش فرو کنند و این عمل «نحوه» می گویند و مطابقت بعضی از روایات بهتر است که شتر ایستاده باشد، ولی اگر در حالی که زانوهای را به زمین زده یا به پهلو خوابیده و جلو بدنش رو به قبله است، کارد تر گودی گردنش فرو کنند آن هم اشکالی ندارد.

مسئله ۲۲۲۸ - هرگاه شتر را به جای نحر کردن سر ببرند، یا گوسنند و گاو را به جای سر بردن نحر کنند، گوشت آنها حلال نیست، ولی اگر بعد از این کار هنوز حیوان زنده باشد و فوراً او را بر طبق دستور شرع بکشند گوشتش حلال است.

مسألة ۲۲۲۹ - حیوان سرکشی که نمی‌توان آن را مطابق دستور شرع کشت و همچنین حیوانی که در چاه افتاده و امکان کشتن آن مطابق دستور شرع نیست و احتمال دارد در آنجا بمیرد، چنانچه با چیز برنده‌ای مانند کارد جایی از بدنش را زخم کنند و در اثر آن زخم جان دهد حلال است و رو به قبله بودن آن لازم نیست، ولی باید شرایط دیگری که برای سر بریدن حیوانات گفته شد دارا باشد.

### مستحبات و مکروهات سر بریدن حیوانات

مسألة ۲۲۳۰ - چند چیز در ذبح حیوانات - طبق بعضی از روایات - مستحب است:

۱ - هنگام سر بریدن گوسفند دست و پایش را باز بگذارند و موقع سر بریدن گاو چهار دست و پایش را ببندند و هنگام کشتن شتر دو دست آن را از پایین یا زیر بغل به یکدیگر ببندند و پاهایش را باز گذارند و مرغ را بعد از سر بریدن رها کنند تا هر و بال بزند.

۲ - کسی که حیوان را می‌کشد رو به قبله باشد.

۳ - پیش از کشتن حیوان آب جلو آن بگذارند.

۴ - کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود، مثلاً با سرعت سر او را نبرند.

مسألة ۲۲۳۱ - مطابقه بعضی از روایات چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است:

۱ - کارد را پشت حلقوم حیوان فرو نکنند و به دایف جلو بیاورند که حلقوم از پشت بریده شود.

۲ - در جایی حیوان را نکشند که حیوان دیگر آن را می‌بیند.

۳ - در موقع شب یا پیش از ظهر جمعه سر حیوان را نبرند، ولی در صورت احتیاج عیبی ندارد.

۴ - حیوانی را که انسان خودش پرورش داده با دست خود نکشد.

مسألة ۲۲۳۲ - احتیاط مستحب آن است که پیش از بیرون آمدن روح سر حیوان را از

بدنش جدا نکنند، بنابراین اگر دستگاه‌هایی برای ذبح حیوانات تهیه شود که سر حیوان به

کلی قطع می‌کند حرام نمی‌شود هر چند بهتر است طوری باشد که تمام سر را قطع نکنند،

ولی در هر حال باید تمام شرایط با دستگاه‌های ماشینی رعایت شود و نیز احتیاط

مستحب آن است که مغز حرام حیوان را که در وسط تیره پشت است قبل از جان دادن



نبرند و پوست حیوان را جدا نمایند.

مسألة ۲۲۳۳ - در زمان ماگاہ برای آسان شدن ذبح حیوانات به حیوان شوک می دهند، تا کمی بیحس شود و به راحتی یا بوسیله دستگاهها سر آن را ببرند، این کار در صورتی که حیوان بعد از شوک زنده باشد اشکالی ندارد.

### احکام شکار کردن با اسلحه

مسألة ۲۲۳۴ - هرگاه حیوان حلال گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنند با پنج شرط حلال می شود:

۱ - آنکه با اسلحه برنده‌ای مانند شمشیر و کارد و خنجر یا تفنگ و مانند آن باشد خواه گلوله آن نیز باشد یا نه، ولی طوری باشد که بدن حیوان را پاره کند و از آن خون جاری گردد، ولی اگر بوسیله دام یا چوب و سنگ و مانند آن حیوانی را شکار کنند حرام است، مگر اینکه موقمی به حیوان برسند که هنوز زنده باشد و آن را مطابق آداب شرع سر ببرند.

۲ - بنا بر احتیاط واجب شکار کننده، مسلمان باشد یا بچه مسلمانی که خوب و بد را می فهمد.

۳ - اسلحه را به منظور شکار کردن به کاربرد، اما اگر مثلاً جایی را نشانه گیری کند و اتفاقاً تیر به حیوانی اصابت کند، خوردن گوشت آن حیوان حرام است.

۴ - هنگام به کار بردن اسلحه نام خدا را ببرد، ولی اگر فراموش کن اشکالی ندارد.

۵ - وقتی به حیوان برسد که جان داده باشد، یا اگر زنده است به اندازه سر بردن آن وقت نباشد، ولی اگر به اندازه سر بردن وقت داشته باشد و در ذبح حیوان کوتاهی کند تا بمیرد حرام است.

مسألة ۲۲۳۵ - اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر باشد، یا یکی نام خدا را ببرد و دیگری عمداً نبرد، آن حیوان بنا بر احتیاط واجب حلال نیست.

مسألة ۲۲۳۶ - اگر حیوانی را با تیر بزنند بعد در آب بیفتد و بداند که بواسطه تیر و افتادن در آب جان داده است حلال نیست، بلکه اگر شک کند که فقط به خاطر تیر بوده یا نه حلال نمی باشد.

مسألة ۲۲۳۷ - هرگاه با اسلحه یا سنگ غصبی، حیوانی را شکار کند، شکار حلال است و

مال او می‌شود، ولی گذشته از اینکه گناه کرده باید اجرت اسلحه یا سنگ را به صاحبش بدهد.

**مسألة ۲۲۳۸ -** اگر با شمشیر یا سلاح دیگری که شکار کردن با آن صحیح است با شرایطی که قبلاً گفته شد حیوانی را دو نیم کند و سر و گردن در یک قسمت باقی بماند اگر وقتی برسد که حیوان جان داده است، هر دو قسمت، حلال است، همچنین اگر زنده باشد ولی وقت برای سر بریدن تنگ باشد ما اگر وقت برای سر بریدن دارد آن قسمت که در آن سر نیست حرام است و آن قسمت دیگر که سر دارد اگر مطابق دستور شرع ببرد حلال است.

**مسألة ۲۲۳۹ -** هرگاه بوسیله دام یا چوب یا سنگ یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح نیست حیوانی را دو قسمت کند قسمتی که سر و گردن ندارد در هر حال حرام است و اما قسمتی که سر و گردن دارد اگر هنوز زنده است و سر آن را مطابق دستور شرع ببرد حلال است.

**مسألة ۲۲۴۰ -** اگر حیوانی را سر ببرند یا شکار کنند و بچه زنده‌ای از آن بیرون آید، چنانچه آن بچه را مطابق دستور شرع سر ببرند حلال و گرنه حرام است، اما اگر بچه با شکار کردن یا سر بریدن مادر، در شکم او مرده باشد حلال است به شرط اینکه خلقت بچه کامل شده و مو یا پشم در بدنش روییده باشد.

### شکار کردن با سنگهای شکاری

**مسألة ۲۲۴۱ -** هرگاه با سنگ شکاری، حیوان وحشی حلال گوشتی را شکار کند، این حیوان با پنج شرط حلال می‌شود:

۱ - سنگ طوری تربیت شده باشد که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند بایستد، بلکه همین اندازه که سنگ را برای شکار تربیت کرده‌اند کافی است، ولو اینکه وقتی چشمش به شکار افتاد خودش حرکت کند و به سوی شکار برود، ولی احتیاط واجب آن است که اگر عادت دارد پیش از رسیدن صاحبش شکار را می‌خورد از شکار او اجتناب شود، اما اگر گاهی شکار را بخورد، یا فقط خون او را بخورد، اشکال ندارد.

۲ - کسی که سنگ را می‌فرستد بنا بر احتیاط واجب باید مسلمان یا بچه مسلمانی که خوب

و بد را می فهمد باشد، کسی که نسبت به اهل بیت پیغمبر اکرم علیه السلام اظهار دشمنی کند مسلمان نیست و شکار او اشکال دارد.

۳- هنگام فرستادن یا حرکت کردن سنگ باید نام خدا را ببرد، ولی اگر از روی فراموشی آن را ترک کند اشکال ندارد و لازم نیست پیش از فرستادن سنگ نام خدا را ببرد، بلکه اگر پیش از آنکه سنگ به شکار برسد نام خدا را ببرد حلال است.

۴- شکار به واسطه زخمی که از دندان سنگ پیدا کرده بصبرد، بنابراین اگر سنگ، شکار خود را خفه کند یا از زیادی دویدن یا ترس بصبرد حلال نیست.

۵- کسی که سنگ را فرستاده وقتی برسد که شکار جان داده باشد، یا اگر زنده است به اندازه سر بردن وقت نباشد، اما اگر زمانی برسد که به اندازه سر بردن وقت دارد مثلاً چشم خود را حرکت می دهد یا پای بر زمین می زند، باید سر حیوان را مطابق دستور شرع ببرد و گرنه حرام است.

مسألة ۲۲۴۲- کسی که سنگ را فرستاده اگر وقتی برسد که می تواند سر حیوان را ببرد ولی کارد نداشته باشد، یا برای پیدا کردن کارد مدتی وقت لازم باشد، چنانچه حیوان بصبرد احتیاط واجب اجتناب از گوشت آن است.

مسألة ۲۲۴۳- هرگاه چند سنگ را برای شکار حیوانی بفرستند چنانچه همه آنها دارای شرایط فوق باشد شکار حلال است و اگر بعضی از آنها دارای این شرایط نیست شکار حرام است.

مسألة ۲۲۴۴- هرگاه سنگ تربیت شده را برای شکار حیوانی بفرستند ولی آن سنگ حیوان حلال دیگری را شکار کند، اشکالی ندارد، همچنین اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند هر دو حلال است.

مسألة ۲۲۴۵- اگر چند نفر با هم سگی را بفرستند و یکی از آنان کافر باشد، یا عمداً نام خدا را نبرد، یا چند سنگ بفرستند و یکی از آنها تربیت شده نباشد بنا بر احتیاط واجب باید از گوشت آن شکار پرهیز کرد.

مسألة ۲۲۴۶- هرگاه بوسیله باز شکاری یا حیوان دیگر تربیت شده ای غیر از سنگ، حیوانی را شکار کند آن شکار حلال نیست، مگر اینکه وقتی برسد که حیوان زنده باشد و مطابق دستور شرع آن را ذبح کنند، در این صورت حلال است.

### صید ماهی

مسألة ۲۲۴۷ - ماهی حلال آن ماهی است که فلس داشته باشد، خواه فلس آن گم باشد یا زیاد. کوچک باشد یا درشت، حتی ماهیانی که فلس آنها سست است و در دام می‌ریزد حلال است، ولی فلسهای ذره بینی و مانند آنکه مردم به آن فلس نمی‌گویند فایده‌ای ندارد.

مسألة ۲۲۴۸ - اگر ماهی را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و حلال است، حتی اگر در دامی که در آب باشد بمیرد آن نیز حلال است.

مسألة ۲۲۴۹ - اگر ماهی از آب بیرون بیفتد، یا موج آن را بیرون بیندازد، یا بر اثر جزر و مد ریا در خشکی بماند و بمیرد، حرام است، ولی اگر پیش از آنکه بمیرد با دست یا با وسیله دیگری آن را بگیرند و بعد جان دهد حلال است.

مسألة ۲۲۵۰ - صید کننده ماهی لازم نیست مسلمان باشد و در موقع صید ماهی نام خدا را ببرد، ولی باید معلوم باشد آن را زنده از آب گرفته یا بعد از افتادن در دام جان داده است.

مسألة ۲۲۵۱ - اگر ماهی از بازار مسلمانان یا از دست مسلمانی گرفته شود حلال است، هر چند معلوم نباشد آن را زنده از آب گرفته‌اند یا نه و جستجو نیز لازم نیست، ولی اگر از کافری گرفته شود و معلوم نباشد ماهی زنده از آب گرفته شده یا زنده به دام افتاده یا نه، حرام است.

مسألة ۲۲۵۲ - خوردن ماهی‌های کوچک زنده اشکال دارد، مگر برای درمان در مقام ضرورت.

مسألة ۲۲۵۳ - اگر ماهی را که هنوز کاملاً جان نداده بریان کنند، یا در بیرون آب پیش از جان دادن بکشند خوردن آن اشکال ندارد.

مسألة ۲۲۵۴ - اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد و بمیرد خوردن قسمتی که بیرون آب مانده اشکال دارد.

مسألة ۲۲۵۵ - میگو که آن را رویان نیز می‌گویند از حیوانات آبی حلال است، ولی ماهی سمثفور که از حشرات خشکی است و نام ماهی بر آن نهاده‌اند حرام است، مگر برای درمان در مقام ضرورت.

## احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

مسألة ۲۲۵۶ - گوشت گاو و گوسفند و شتر اهلی و همچنین گاو و گوسفند و بز و خر و حشی و آهو حلال است، ولی گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه می‌باشد، حیوانات درنده عموماً، همچنین فیل و خرگوش و حشرات گوشتشان حرام است.

مسألة ۲۲۵۷ - گوشت پرندگانی که دارای چنگال هستند حرام است، همچنین پرندگانی که موقع پرواز بالهای خود را صاف نگه می‌دارند، یا اگر بال می‌زنند بال زدن آنها کمتر و صاف نگه داشتن آنها بیشتر است، اما پرندگانی که بال می‌زنند یا بال زدن آنها از صاف نگه داشتن بیشتر است گوشتشان حلال است و از جمله انواع کبوترها و قمری و کبک حلال است، ولی گوشت هد هد مکروه است.

مسألة ۲۲۵۸ - اگر از حیوانی که زنده است قطعه‌ای جدا کنند خواه دنبه یا گوشت بوده باشد خوردن آن حرام است.

مسألة ۲۲۵۹ - چهارده چیز از حیوانات حلال گوشت (بنابر احتیاط واجب در بعضی از آنها) حرام است: ۱ - خون ۲ - نری ۳ - فرج ۴ - بچه دان ۵ - غدده که آن را دشول می‌گویند. ۶ - تخم که آن را دنبلان می‌گویند. ۷ - دانه کوچکی که در مغز سراسر است و به شکل نخود می‌باشد. ۸ - مغز حرام که در میان تیره پست است. ۹ - پی که در دو طرف گردن قرار دارد و تاثیر پست کشیده شده ۱۰ - زهره دان ۱۱ - سپرز (طحال) ۱۲ - مثانه (محل اجتماع بول) ۱۳ - سیاهی چشم ۱۴ - چیزی که در میان سم است و عرب آن را ذات الاشباح می‌گویند، این دو حیوانات بزرگ است، اما در حیوانات کوچکی مانند گنجشک چنانچه بعضی از این امور قابل تشخیص، یا جدا کردن نیست خوردن آن اشکالی ندارد.

مسألة ۲۲۶۰ - خوردن اشیاء نجیب و پلید که طبع انسان از آن تنفر دارد (مانند فضله حیوانات و آب بینی و امثال آن) حرام است هر چند پاک باشد.

مسألة ۲۲۶۱ - خوردن خاک و گل حرام است، ولی خوردن کمی از تربت پاک حضرت

سیدالشهداء امام حسین علیه السلام (کمتر از یک نخود) به قصد شفاء اشکال ندارد و همچنین گل داغستان و گل ارمنی که برای معالجه می‌خورند در صورتی که علاج منحصر به آن باشد جایز است.

مسألة ۲۲۶۲ - خوردن یا نوشیدن چیزی که برای انسان ضرر مهمی دارد حرام است، کشیدن سیگار و سایر انواع دخانیات اگر به تصدیق اهل اطلاع ضرر مهمی داشته باشد نیز حرام است، استفاده از مواد مخدر خواه به صورت تزریق یا دود کردن یا خوردن و یا به هر طریق دیگری بوده باشد حرام است.

مسألة ۲۲۶۳ - اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند، علاوه بر اینکه گوشت آنها حرام است، بول و مدفوع آنها نیز بنا بر احتیاط واجب نجس می‌باشد و آشامیدن شیر آنها نیز حرام است و باید آن حیوان را ذبح کنند و لاشه آن را بسوزانند و کسی که با آن نزدیکی کرده باید بول آن را به صاحبش بدهد.

مسألة ۲۲۶۴ - آشامیدن شراب حرام و از گناهان کبیره است، بلکه در بعضی از اخبار بزرگترین گناه شمرده شده است و اگر کسی آن را حلال بداند در صورتی که متوجه باشد که لازمه حلال دانستن آن تکذیب خدا و پیغمبر می‌باشد کافر است. از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: شراب ریشهٔ بدیها و منشأ گناهان است و کسی که شراب می‌خورد عقل خود را از دست می‌دهد و در آن موقع خدا را نمی‌شناسد و از هیچ گناهی باک ندارد، احترام هیچ کس را نگه نمی‌دارد و حق خویشان نزدیک را رعایت نمی‌کند و از زشتیهای آشکار و نهی گرداند، روح ایمان و خداشناسی از او بیرون می‌رود، و روح خبیثی که از رحمت خدا دور است در او می‌ماند، خدا و فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین او را لعنت می‌کنند و تا چهل روز نماز او قبول نمی‌شود و روز قیامت روی او سیاه است!

مسألة ۲۲۶۵ - منظور از شراب هر مایع مست کننده‌ای است و آنچه نیز جزء مشروبات الکلی است، حتی نوشیدن یک قطره شراب و کمتر از آن نیز حرام است.

مسألة ۲۲۶۶ - سفره‌ای که بر سر آن شراب می‌خورند اگر انسان یکی از آنان حساب شود نشستن کنار آن و چیز خوردن از آن سفره حرام است هر چند غذای حلال باشد.

مسألة ۲۲۶۷ - هرگاه جان مسلمانی به خاطر گرمسنگی یا نشنگی در خطر باشد بر همه

واجب است به او آب و غذا داده و از مرگ نجاتش بخشند.

### مستحباب غذا خوردن

مسأله ۲۲۶۸ - چند چیز است که انجام آن موقع غذا خوردن به امید ثواب مستحب است: ۱ - هر دو دست را قبل از غذا بشوید ۲ - بعد از غذا نیز دست خود را بشوید و با دستمال خشک کند ۳ - میزبان قبل از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد ۴ - در اول «بسم الله» و آخر غذا «الحمد لله» بگوید و اگر سر یک سفره چند جور غذا باشد موقع خوردن از هر کدام از آنها «بسم الله» بگوید ۵ - با دست راست غذا بخورد ۶ - اگر چند نفر سر یک سفره غذا می‌خورند هر کسی از غذای جلو خودش بخورد ۷ - لقمه را کوچک بردارد ۸ - با عجله غذا نخورد و غذا خوردن را طول دهد و غذا را خوب بخورد ۹ - بعد از غذا خلال نماید و اجزاء غذا را از لای دندانها بیرون آورده و دهان را بشوید ۱۰ - از دور ریختن مواد غذایی خودداری کند، و نی اگر در بیابان غذا می‌خورد آنچه از سفره بیرون می‌ریزد برای پرندگان و حیوانات بگذارد ۱۱ - در شبانه روز دوبار غذا بخورد، اول روز و اول شب ۱۲ - در اول و آخر غذا نمک بخورد ۱۳ - تمام میوه‌ها را پیش از خوردن با آب تمیز بشوید ۱۴ - تا بتواند بر سفره میهمانی داشته باشد.

### مکروهات غذا خوردن

مسأله ۲۲۶۹ - کارهای زیر را در موقع غذا خوردن از مکروهات شمرده‌اند:

- ۱ - در حال سیری غذا خوردن ۲ - پر خوردن و در خیر است که خداوند عالم از شکم پر بیش از هر چیز بدش می‌آید ۳ - نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن ۴ - خوردن غذای داغ ۵ - فوت کردن به چیزی که می‌خورد یا می‌آشامد ۶ - بعد از گذاشتن نان در سفره منتظر چیز دیگری بودن ۷ - پاره کردن نان با کارد ۸ - گذاشتن نان زیر ظرف غذا و هر گونه بی احترامی به آن ۹ - پوست کندن میوه (میوه‌هایی که با پوست خورده می‌شود) ۱۰ - دور انداختن میوه پیش از آنکه آن را کاملاً بخورد.

### مستحبات و مکروهات آب آشامیدن

مسألة ۲۲۷۰ - چند کار در روایات به هنگام آشامیدن آب توصیه شده است: ۱ - آب را به طور مکیدن بیاشامد ۲ - در روز ایستاده آب بخورد ۳ - پیش از نوشیدن آب «بسم الله» و بعد از آن «الحمد لله» بگوید ۴ - آب را به سه نفس بیاشامد، نه یک نفس ۵ - از روی میل آب بیاشامد ۶ - بعد از نوشیدن آب حضرت امام حسین علیه السلام و اهل او را یاد کند و قاتلان ایشان را لعنت نماید.

مسألة ۲۲۷۱ - در روایات از چند چیز در موقع آشامیدن آب نهی شده است: ۱ - زیاد آشامیدن ۲ - آشامیدن آب بعد از غذای چرب ۳ - ایستاده نوشیدن در شب ۴ - نوشیدن آب با دست چپ ۵ - نوشیدن از جای شکسته کوزه یا ظرفی که دسته آن است.



### احکام نذر و عهد

مسألة ۲۲۷۲ - نذر آن است که کار خیری را برای خدا بر عهده خود قرار دهد، یا ترک کاری که نکردن آن بهتر است.

مسألة ۲۲۷۳ - نذر دو قسم است: تذری که به صورت «شروطه» انجام می شود، مثلاً می گوید: چنانچه مریض من خوب شود انجام فلان کار برای خدا بر عهده من است (این را نذر شکر گویند) یا اگر مرتکب فلان کار بشوم فلان کار خیر را برای خدا انجام خواهم داد (و آن را نذر زجره گویند)، دوم نذر «مطلق» است و آن اینکه بدون هیچ قید و شرطی بگوید: «من برای خدا نذر می کنم که نماز شب بخوانم» و همه اینها صحیح است.

مسألة ۲۲۷۴ - نذر در صورتی صحیح است که برای آن صیغه خوانده شود، خواه به عربی باشد یا زبانهای دیگر، بنابر این اگر بگوید چنانچه فلان حاجت من روا شود برای خدا بر من است که فلان مقدار مال را به فقیر بدهم، نذر او صحیح است، بلکه اگر بگوید نذر می کنم برای خدا اگر فلان حاجت من روا شود فلان کار خیر را انجام دهم، کافی است.

مسألة ۲۲۷۵ - نذر در صورتی صحیح است که از انسان بالغ و عاقل انجام شود و از روی



اختیار و قصد باشد، بنابراین نذر از روی اجبار، یا به واسطه عصبانی شدن و از دست دادن اختیار، صحیح نیست.

مسألة ۲۲۷۶ - آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، همچنین کسی که حاکم شرع او را به خاطر ورشکست شدن از تصرف در اموالش جلوگیری کرده، نذرهای مربوط به اموالشان صحیح نیست.

مسألة ۲۲۷۷ - نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد بی اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.

مسألة ۲۲۷۸ - اگر زن در جایی که احتیاج به اجازه شوهر دارد با اجازه او نذر کند، شوهرش بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند نذر او را به هم بزند یا او را از عمل کردن به نذر جلوگیری نماید.

مسألة ۲۲۷۹ - نذر فرزند احتیاجی به اجازه پدر ندارد، مگر اینکه کار او مایه آزار پدر باشد که در این صورت نذر او صحیح نیست.

مسألة ۲۲۸۰ - نذر در مورد کارهایی صحیح است که انجام آن برای انسان ممکن باشد.

مسألة ۲۲۸۱ - کاری را که انسان نذر می‌کند باید شرعاً مطلوب باشد، بنابراین نذر کار حرام، یا مکروه، یا ترک واجب و مستحب، صحیح نیست.

مسألة ۲۲۸۲ - لازم نیست جزئیات و خصوصیات عملی که نذر کرده مطلوب باشد، همین اندازه که اصل آن شرعاً مطلوب باشد کافی است، مثلاً اگر نذر کند شب اول هر ماه نماز شب بخواند صحیح است و باید به آن عمل کند، یا اگر نذر کند در محل خاصی فقرا را اطعام نماید باید مطابق آن عمل نماید.

مسألة ۲۲۸۳ - کار مباحی که انجام و ترک آن از هر جهت مساوی است نذر انجام آن صحیح نیست، ولی اگر انجام یا ترک آن از جهتی بهتر باشد و به همان منظور نذر کند صحیح است، مثلاً نذر کند غذایی بخورد که برای عبادت قوت گیرد یا غذایی که مایه سستی بدن او برای انجام عبادت می‌شود ترک نماید.

مسألة ۲۲۸۴ - هرگاه نذر کند روزه بگیرد ولی وقت و مقدار آن را معین نکند، چنانچه یک روز روزه بگیرد کافی است، همچنین اگر نذر کند نماز بخواند و مقدار خصوصیات آن را معین نکند یک نماز دو رکعتی کفایت می‌کند، نذر سایر کارهای خیر نیز همین گونه است.

مسألة ۲۲۸۵ - هرگاه نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، احتیاط واجب آن است که آن روز سفر نکند تا بتواند روزه خود را بجا آورد و چنانچه در آن روز مسافرت کند قضای آن روز بر او واجب است و احتیاط واجب آن است که کفاره نیز بدهد.

مسألة ۲۲۸۶ - اگر کسی از روی اختیار به نذر خود عمل نکند گناه کرده و باید کفاره بدهد و کفاره نذر عبارت است از اطعام شصت فقیر، یا دو ماه پهن در پی روزه گرفتن، یا یک بنده آزاد کردن.

مسألة ۲۲۸۷ - اگر نذر کند تا وقت معینی عملی را ترک نماید بعد از گذشتن آن وقت می تواند آن کار را بجا آورد و اگر پیش از گذشتن وقت از روی فراموشی یا اجبار انجام دهد چیزی بر او نیست، ولی لازم است تا آخر وقت نذر، آن عمل را بجا نیاورد و اگر بدون عذر آن را بجا آورد باید مطابق آنچه در مسأله پیش گفته شد کفاره بدهد.

مسألة ۲۲۸۸ - کسی که نذر کرده عملی را مستمراً ترک کند و زمانی برای آن معین ننموده، چنانچه از روی اختیار آن را بجا آورد برای دفعه اول باید کفاره بدهد و اگر نذر او چنان بوده که هر دفعه از آن عمل، مستقلاً تحت نذر قرار داشته احتیاط واجب آن است که برای هر دفعه که آن عمل را انجام می دهد کفاره ای بدهد، اما اگر چنین قصدی نداشته، یا شک کند قصدش چگونه بوده یک کفاره بیشتر واجب نیست.

مسألة ۲۲۸۹ - اگر نذر کند در هر هفته روز معینی (مثلاً روز جمعه) را روزه بگیرد، چنانچه یکی از جمعه ها مصادف با عید فطر یا قربان شود یا عذر دیگری مانند حیض برای او پیش آید، باید روزه را ترک کند و احتیاطاً قضای آن را بجا آورد.

مسألة ۲۲۹۰ - هرگاه نذر کند مقدار معینی را صدقه دهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهد.

مسألة ۲۲۹۱ - هرگاه نذر کند به فقیر معینی صدقه دهد نمی تواند آن را به دیگری دهد و اگر آن فقیر بمیرد بنا بر احتیاط به ورثه او بدهد.

مسألة ۲۲۹۲ - هرگاه نذر کند به زیارت یکی از امامان مثلاً به زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مشرف شود، اگر به زیارت امام دیگری برود کافی نیست و هرگاه به واسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند چیزی بر او نیست.

مسألة ۲۲۹۳ - کسی که نذر کرده زیارت برود ولی غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده،

لازم نیست آنها را بجا آورد.

مسأله ۲۲۹۴ - اگر چیزی برای حرم یکی از امامان یا امامزادگان نذر کند باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل تعمیرات و فرش و روشنایی و خدامی که مشغول خدمت هستند و مانند آن، ولی اگر چیزی برای خود امام علیه السلام یا امامزاده نذر کرده بی آنکه نام حرم را ببرد، می تواند علاوه بر اموری که ذکر شد صرف مجالس عزاداری و سوگواری یا نشر آثار آن بزرگواران، یا کمک به زوار آنها یا هر کار دیگری که نسبتی با آنها دارد بکند.

مسأله ۲۲۹۵ - گوسفندی را که برای صدقه یا برای یکی از امامان نذر کرده اند پشم آن و مقداری که چاق می شود جزء نذر است و اگر پیش از آنکه گوسفند به مصرف نذر برسد بچهای بیاورد، یا شیر دهد، احتیاط واجب آن است آن را هم به مصرف نذر برساند.

مسأله ۲۲۹۶ - هرگاه نذر کند اگر مریض او خوب شود یا مافرش سالم بازگردد فلان کار خیر را انجام دهد، چنانچه معلوم شود پیش از نذر کردن مریض او خوب شده، یا مسافر آمده است، عمل کردن به نذر واجب نیست.

مسأله ۲۲۹۷ - هرگاه پدر یا مادری نذر کند دختر خود را به سید شوهر دهد نذر آنها اعتباری ندارد و هنگامی که دختر به حد بلوغ رسید اختیار با خود اوست.

مسأله ۲۲۹۸ - عمل کردن به «عهد» مانند نذر واجب است به شرط اینکه صیغه عهد را بخواند، مثلاً بگوید: «با خدا عهد کردم که فلان کار خیر را انجام دهم» اما اگر صیغه را نخواند، یا آن کار شرعاً مطلوب نباشد عهد او اعتباری ندارد.

مسأله ۲۲۹۹ - کسی که به عهد خود با شرایط بالا عمل نکند باید کفاره بدهد و کفاره عهد مانند کفاره نذر است، یعنی سیر کردن شصت فقیر، یا دو ماه روزه پی در پی، یا آزاد کردن یک بنده.

\* \* \*

## احکام قسم خوردن

مسأله ۲۳۰۰ - هرگاه کسی با شرایط زیر قسم یاد کند باید به قسم خود عمل نماید وگرنه

کفاره دارد:

۱- کسی که قسم یاد می کند باید بالغ و عاقل باشد و اگر درباره مال خود قسم می خورد باید سفیه نباشد، همچنین حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد و از روی قصد و اختیار قسم بخورد، بنابراین قسم خوردن بچه و دیوانه و کسی که مجبورش کرده اند درست نیست، همچنین اگر در حال عصبانی بودن بدون اراده و قصد قسم بخورد. ۲

کاری را که برای انجام آن قسم می خورد باید حرام و مکروه نباشد و کاری را که قسم بر ترک آن می خورد واجب و مستحب نباشد و اگر برای انجام کار مباحی قسم می خورد باید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجامش نباشد، همچنین اگر قسم برای ترک کار مباحی می خورد باید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترکش نباشد. ۳ - به یکی از نامهای خداوند قسم یاد کند خواه نامی باشد که به غیر ذات مقدس او گفته نمی شود، مانند «خدا» و «الله» یا نامی که به غیر او نیز گفته می شود، ولی از قرائن معلوم است که مقصودش خداست، بلکه اگر به نامهایی قسم یاد کند که بدون قرینه خدا به نظر نمی آید ولی او قصد خدا را کند بنابر احتیاط واجب باید به آن قسم عمل کند. ۴ - قسم را باید به زبان بیاورد، بنابراین اگر در قلبش بگذراند کافی نیست و در کتابت و نوشتن احتیاط، عمل به آن است، ولی آدم لال اگر با اشاره قسم بخورد صحیح است. ۵ - عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد و اگر موقعی که قسم می خورد ممکن باشد ولی بعداً عاجز شود یا مشقت شدید داشته باشد از همان وقت که چنین شده قسم او به هم می خورد.

مسئله ۲۳۰۱ - هرگاه پدر از قسم خوردن فرزند جلوگیری کند یا شوهر از قسم خوردن زن مانع شود قسم آنان صحیح نیست، حتی اگر فرزند بدون اجازه پدر و زن بدون اجازه شوهر قسم یاد کند قسم آنان صحیح نمی باشد.

مسئله ۲۳۰۲ - هرگاه عمدتاً با قسم خود مخالفت کند باید کفاره دهد، ده فقیر را سیر کند، یا بر آنها لباس بپوشاند، یا یک بنده را آزاد نماید و اگر توانایی بر اینها نداشته باشد باید سه روز روزه بگیرد.

مسئله ۲۳۰۳ - اگر از روی فراموشی یا اجبار و اضطرار به قسم عمل نکنند کفاره ندارد و قسمی که آدم وسواسی می خورد مثل اینکه می گوید «والله الآن مشغول نماز می شوم، ولی وسواس مانع می گردد اگر وسواس او طوری باشد که بی اختیار به قسم خود عمل نکند

کفاره ندارد.

مسألة ۲۳۰۴ - کسانی که برای اثبات مطلبی قسم می‌خورند اگر حرف آنها راست باشد قسم خوردن مکروه است و اگر دروغ باشد حرام و از گناهان کبیره است، ولی اگر مجبور شود که برای نجات خود یا مسلمانان دیگری از شر ظالمی قسم دروغ بخورد اشکال ندارد، بلکه گاه واجب می‌شود و این نوع قسم خوردن که برای اثبات مطلبی است غیر از قسمی است که در مسائل پیش گفته شد که برای انجام کار یا ترک کاری بود.

\* \* \*

## احکام وقف

مسألة ۲۳۰۵ - هرگاه کسی چیزی را وقف کند از ملک او خارج می‌شود نه او، و نه دیگران نمی‌توانند آن را بفروشند، یا ببخشند و هیچ کس از آن ارث نمی‌برد، ولی در بعضی از موارد که در مسألة ۱۷۸۶ گفته شد فروختن آن جایز است.

مسألة ۲۳۰۶ - صیغه وقف را می‌توان به عربی یا به هر زبان دیگر خواند، مثلاً اگر بگوید: «خانه خود را برای فلان منظور وقف کردم» کافی است و احتیاج به قبول ندارد، خواه وقف عام باشد یا وقف خاص، هر چند احتیاط مستحب آن است که حاکم شرع در وقف عام و اشخاصی که برای آنها وقف شده در وقف خاص، صیغه قبول بخوانند.

مسألة ۲۳۰۷ - وقف معاطاتی نیز صحیح است یعنی همین که مثلاً مسجدی را به قصد وقف بر مسلمین بسازد و در اختیار آنها بگذارد کافی است هر چند صیغه لفظی نخواند.

مسألة ۲۳۰۸ - هرگاه ملکی را برای وقف معین کند و پیش از خواندن صیغه یا تحویل به کسانی که برای آنها وقف شده، پشیمان شود یا بمیرد وقف درست نیست.

مسألة ۲۳۰۹ - کسی که مالی را وقف می‌کند بنا بر احتیاط واجب باید از همان موقع خواندن صیغه برای همیشه مال را وقف کند و اگر مثلاً بگوید «این مال بعد از وفات من وقف باشد» اشکال دارد یا بگوید «از حالا تا ده سال وقف باشد» آن نیز اشکال دارد، بلکه باید وقف همیشگی و از موقع خواندن صیغه باشد.

مسألة ۲۳۱۰ - وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را به تصرف کسانی که برای آنها وقف شده و یا وکیل یا ولی آنها بدهد، ولی در اوقاف عامه مانند مساجد و مدارس و امثال آنها قبض دادن شرط نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که پس از خواندن صیغه آن را در اختیار کسانی که وقف برای آنها شده قرار دهد تا وقف کامل گردد.

مسألة ۲۳۱۱ - وقف کننده باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشد و شرعاً حق تصرف در اموال خود را داشته باشد، بنابراین انسان سفیه یا بدهکاری که حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کرده اگر چیزی از اموال خود را وقف کند صحیح نیست.

مسألة ۲۳۱۲ - وقف برای کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند صحیح نمی‌باشد، ولی وقف برای اشخاصی که بعضی از آنها به دنیا آمده‌اند و بعضی هنوز به دنیا نیامده‌اند صحیح است (مانند وقف بر فرزندان موجود و نسلهای آینده) و آنها که بعداً به دنیا می‌آیند در آن وقف شریک خواهند شد.

مسألة ۲۳۱۳ - هرگاه کسی چیزی را برای خودش وقف کند (مثل آنکه ملکی را وقف کند که عایدی آن صرف خودش شود، یا بعد از مرگ او خرج مقبره‌اش نمایند) صحیح نیست، ولی اگر مثلاً مدرسه یا مزرعه‌ای را وقف بر طلاب کند و خودش طلبه باشد، می‌تواند مانند سایرین از منافع وقف استفاده نماید.

مسألة ۲۳۱۴ - هرگاه برای چیزی که وقف کرده متولی معین کند، باید مطابق قرارداد او رفتار نماید و اگر معین نکند اگر از قبیل اوقاف عامه (مانند مسجد و مدرسه) باشد تعیین متولی و وظیفه حاکم شرع است و اگر وقف خاص باشد (مانند ملکی که وقف بر اولاد است) در مورد کارهایی که مربوط به مصلحت وقف و منفعت طبقات بعد می‌باشد، احتیاط آن است که نسل موجود و حاکم شرع با موافقت یکدیگر تعیین متولی کنند و اگر تنها مربوط به منافع طبقه موجود است اختیار آن با خود آنهاست در صورتی که بالغ باشند و اگر بالغ نباشند اختیار با ولی آنهاست.

مسألة ۲۳۱۵ - در وقف خاص (مانند وقف بر اولاد) چنانچه متولی، آن ملک را اجازه دهد و از دنیا برود در صورتی که اجازه با مراعات مصلحت وقف و طبقات آینده بوده باشد اجازه باطل نمی‌شود، ولی اگر متولی نداشته باشد و طبقه اول آن را اجازه دهند و در بین مدت اجازه بمیرند، ادامه اجازه نسبت به آینده بدون اجازه طبقه بعد اشکال دارد و هرگاه

مستاجر، مال الاجاره تمام مدت را داده باشد آنچه مربوط به بعد از مرگ طبقه اول است گرفته می شود و به طبقه بعد داده خواهد شد (به شرط اینکه آنها اجاره را اجازه بدهند).  
**مسألة ۲۳۱۶ -** اگر ملک وقف خراب شود از وقف بودن بیرون نمی رود.

**مسألة ۲۳۱۷ -** وقف مشاع جایز است، یعنی می توان مثلاً دو دانگ از خانه یا مزرعه ای را وقف کرد و در صورت لزوم حاکم شرع یا متولی می تواند مال موقوفه را با نظر اهل خبره جدا کند.

**مسألة ۲۳۱۸ -** هرگاه در اوقاف عمومی متولی خیانت کند و عایدات آن را به مصرفی که معین شده نرساند، حاکم شرع باید متولی امینی برای آن معین نماید یا در کنار او بگذارد و اگر متولی وقف خاص خیانت کند، حاکم شرع یا موافقت طبقه موجود برای آنها متولی تعیین، یا ضمیمه می کند.

**مسألة ۲۳۱۹ -** فرشی را که برای حسینیه وقف کرده اند نمی توان برای نماز به مسجد ببرند و اگر ندانند آن فرش مخصوص حسینیه است یا نه، باز بردن آن بجای دیگر صحیح نیست، همچنین سایر اموال وقف، حتی مهر نماز مسجدی را به مسجد دیگری نمی توان برد.

**مسألة ۲۳۲۰ -** هرگاه ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف کنند چنانچه آن مسجد احتیاج به تعمیر ندارد و احتمال هم نمی رود که تا مدتی احتیاج به تعمیر پیدا کند درآمد آن ملک را می توان به مصرف تعمیر مسجد دیگری رساند.

**مسألة ۲۳۲۱ -** هرگاه ملکی را وقف کنند که عایدی آن خرج تعمیر مسجد و امام جماعت و اذان گو و مانند آن شود، در صورتی که معلوم باشد برای هر کدام چه مقدار معین کرده باید به همان گونه مصرف کنند و اگر مقداری برای آن تعیین نشده باید مطابق نظر متولی آن طور که صلاح و مصلحت است عمل نمایند.

**مسألة ۲۳۲۲ -** مؤسسات و جمعیت هایی که در زمان ما تشکیل می دهند و به ثبت می رسانند و دارای شخصیت حقوقی است می توان چیزی را به آن تملیک کرد و در صورت باید مطابق اساسنامه مصرف شود، اموال این گونه مؤسسات در بعضی از جهات شبیه وقف است، ولی وقف نیست، بلکه ملک آن مؤسسه است و هرگاه کسی از مؤسسين یا اداره کنندگان از دنیا بروند چیزی به وارث آنها نمی رسد، مگر اینکه در اساسنامه ذکر شده باشد - آنچه در بالا گفته شد در مورد مؤسساتی که طبق موازین عقلاء تشکیل شده،

هنوز به ثبت قانونی نرسیده، نیز جاری است.

\* \* \*

## احکام وصیت

**مسألة ۲۳۲۳ -** وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش کارهایی را انجام دهند (و آن را «وصیت عهدیه» گویند) مانند وصیتهایی که برای کفن و محل دفن و مراسم دیگر می‌کنند، یا بگویند بعد از مرگش چیزی از اموال او ملک کسی باشد (آن را «وصیت تملیکه» گویند) یا برای اولاد خود قیم و سرپرستی معین کند.

**مسألة ۲۳۲۴ -** کسی که می‌خواهد وصیت کند می‌تواند با گفتن یا نوشتن مقصود خود را بفهماند و اگر قادر به سخن گفتن و نوشتن نباشد می‌تواند با اشاره‌ای که مقصودش را برساند وصیت کند.

**مسألة ۲۳۲۵ -** علاوه بر وصیت، تمام معاملات را می‌توان به وسیله نوشتن و امضاء کردن مطابق آنچه امروز معمول است که اسناد را با امضاء تکمیل می‌کنند انجام داد، ولی در ازدواج و طلاق اکتفا به نوشتن اشکال دارد.

**مسألة ۲۳۲۶ -** وصیت کننده باید بالغ و عاقل باشد، ولی بچه ده ساله‌ای که خوب و بد را تمیز می‌دهد اگر برای کارهای خیر، مانند ساختن مسجد و مدرسه و بیمارستان، یا برای خویشاوندان خود وصیت مناسب و معقولی کند صحیح است و نیز باید وصیت کننده سفیه نباشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد و از روی قصد و اختیار وصیت کند، نه از روی اکراه و اجبار.

**مسألة ۲۳۲۷ -** کسی که به قصد خودکشی، مثلاً زخمی به خود زده یا ماده سمی خورده، اگر درباره اموال خود وصیت کند سپس بمیرد وصیت او صحیح نیست.

**مسألة ۲۳۲۸ -** هرگاه کسی وصیت کند که چیزی از اموالش را به کسی دهند آن مال بعد از مرگ او ملک آن شخص می‌شود و قبول هم لازم نیست، ولی اگر در حال حیات او وصیت را رد کند احتیاط آن است که در آن مال تصرف مالکانه نکند.